

**Entrepreneurship development with the empowerment approach for Disability and Veterans;
Provide a model based on foundation data theory**

Abstract

ntrepreneurship Development" model with the empowerment approach for the disabled and veterans, using the "Foundation Data Theory" method. In this study, researchers, using a targeted sampling approach, selected 16 welfare experts and entrepreneurs as the main participants in the study and three main tools for data collection; Has used interviewing, taking notes, and reviewing documents. Data were analyzed by content analysis. By examining the data obtained in the first stage of open coding, 314 concepts were obtained. The data of the second stage of open coding were classified into 269 concepts and 50 major categories. Then, in the central coding stage, 16 nuclear categories were determined, which were upgraded to a higher abstract level in the selected coding stage, and were classified according to the conditional, interactive / process and consequential characteristics. The development of entrepreneurship based on the empowerment of the disabled and veterans under the paradigm model on the five causal factors and the contextual and intermediate conditions, with different processes (empowerment) led to appropriate results and consequences. To improve the field of entrepreneurship for the disabled and veterans.

Keywords: Entrepreneurship Development, Empowerment, Disability, Veterans, Grand Theory.

توسعه کارآفرینی با رویکرد توانمندسازی معلولان و جانبازان؛ ارائه مدلی بر پایه نظریه داده بنیاد

مجید میرزامحمدی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۰۹

دکتر کریم حمدی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۲۵

دکتر مهرداد نوابخش^۳

چکیده

هدف پژوهش حاضر ترسیم مدل «توسعه کارآفرینی» با رویکرد توانمندسازی معلولان و جانبازان، تحت روش «نظریه داده بنیاد» بوده است. در این پژوهش محققان با استفاده از رویکرد نمونه گیری هدفمند، تعداد ۱۶ نفر از کارشناسان بهزیستی و متخصصان کارآفرینی را به عنوان مشارکت کنندگان اصلی پژوهش انتخاب نموده و از سه ابزار اصلی گردآوری داده ها؛ مصاحبه، یادداشت برداری و مرور اسناد استفاده نموده است. داده ها به روش تحلیل محتوا بررسی شدند. با بررسی داده های به دست آمده در مرحله اول کدگذاری باز، ۳۱۴ مفهوم به دست آمد. داده های مرحله دوم کدگذاری باز، در ۲۶۹ مفهوم و ۵۰ مقوله عمده طبقه بندی شدند. سپس در مرحله کدگذاری محوری، ۱۶ قوله هسته ای تعیین شدند که در مرحله کدگذاری انتخابی به سطح انتزاعی بالاتر ارتقاء داده شد و بر حسب ویژگی های شرایطی، تعاملی/ فرایندی و پیامدی طبقه بندی گردید. توسعه کارآفرینی مبتنی بر توانمندسازی معلولان و جانبازان تحت مدل پارادایمی بر عوامل علی پنج گانه و شرایط زمینه ای و واسطه ای، با فرایندهای مختلف (توانمندسازها) به نتایج و پیامدهای مناسب منجر شد که با حرکت به سوی این الگو، شاهد تغییر اساسی در جهت بهبود حوزه کارآفرینی معلولان و جانبازان خواهد بود.

واژه‌های کلیدی: توسعه کارآفرینی، توانمندسازی، جانبازان، نظریه داده بنیاد، معلولان.

^۱ دانشجو مدیریت کارآفرینی، گروه مدیریت، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

^۲ دانشیار مدیریت بازرگانی، گروه مدیریت، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

^۳ استاد تمام جامعه‌شناسی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

تأمین و گسترش رفاه و امنیت و عدالت اجتماعی در جهان، خاصه در جوامع متمدن و مترقی امروز، از اهم نکات به شمار رفته و موضوع اشتغال به عنوان یکی از شاخص های مهم توسعه اجتماعی و اقتصادی ملت ها، مدنظر بوده است. این مسئله در حالی است که در سال های اخیر، شاهد افزایش روبه رشد تعداد معلولان در سراسر جهان بوده ایم. افراد مختلف به دلایل بی شماری به معلولیت های جدی دچار می شوند، به طوری که معلولان حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد از جمعیت کل جهان را تشکیل می دهند و به نظر می رسد افراد دارای معلولیت به عنوان اعضای جامعه بشری همواره با چالش هایی از نظر کار و حرفه رو به رو هستند. با وجود این، نتایج پژوهش های صورت گرفته نیز بیانگر آن است که معلولان در کشورهای مختلف و در مقایسه با سایر افراد جامعه، امکانات اولیه زندگی مانند بهداشت، مسکن، آموزش و شغل مناسب را ندارند. از طرفی، راه اندازی و مدیریت کسب و کار به لحاظ پیشرفت فناوری و سرعت تغییر آن، امروزه بسیار پیچیده شده است و توسعه کارآفرینی باید با ارتقای شایستگی های افراد در ابعاد مختلف فکری، نگرشی، رفتاری، فنی و مدیریتی همسویی داشته باشد. این شایستگی ها زمانی تحقق پیدا خواهد نمود که کارآفرینان در زمینه گسترش توانمندی ها- که موجب موفقیت در تلاش های کارآفرینی آنان می شود- چاره ای بیاندیشند. چراکه، هر توسعه در حوزه کارآفرینی از توانمندسازی افراد نشأت می گیرد و در این بین افراد معلول باید بیشتر مورد توجه کارآفرینان قرار گیرد. هدف مقاله حاضر ارائه مدل توسعه کارآفرینی با رویکرد توانمندسازی معلولان و جانبازان بوده است که چنین رویکردی، ضمن جدید بودن بلحاظ نظری، کاملاً متناسب با مفهوم توسعه کارآفرینی است.

مبانی و چارچوب نظری تحقیق

بکر^۱ و همکاران (۲۰۰۸)، گزارش دادند که ۵۸ درصد مردان دارای معلولیت و ۸۰ درصد زنان دارای معلولیت به دلیل پایین بودن عزت نفس در ایشان و همچنین نگرش های منفی مردم عادی و کارفرمایان و همچنین سطح تحصیلات پایین آن ها، از یافتن شغلی درآمدزا محرومند. وجود این تبعیض ها، آثار زیانباری بر زندگی فردی و اجتماعی معلولان دارد و اصلی ترین چالش زندگی آن هاست (رهبر و همکاران، ۱۳۹۲). این مسائل و مشکلات بر اساس پژوهش های مختلف نه تنها بر خود معلولان بلکه بر خانواده ها و دوستان نزدیک آنان و تقریباً همه افراد جامعه نیز تأثیر گذاشته است. داشتن شغل مناسب، پیش شرط لازم برای بازگرداندن معلولان جسمی به آغوش جامعه بوده است (مرادی و همکاران، ۱۳۸۸). مطالعات متعدد نشان می دهد معلولان، کارآفرینی را به کار برای افراد و سازمانهای دیگر ترجیح می دهند (پاگان^۲، ۲۰۰۹؛ بورچارت^۳، ۲۰۰۲؛ جونز^۴، ۲۰۰۵؛ رونی^۵، ۲۰۰۹؛ مارتینز^۶، ۲۰۰۴)، به طوری که میزان کارآفرینی در بین آن ها نسبت به افراد سالم بیشتر بوده است (هولب^۷، ۲۰۰۲). چراکه، کارآفرینی برای معلولان مزیت های شخصی، اجتماعی، مالی و از همه مهم تر اشتغال دائم را به همراه دارد (پاگان، ۲۰۰۹؛ بویلان^۸ و بورچارت، ۲۰۰۳)، اما در بیشتر نظریه ها و تحقیقات کارآفرینی معلولان هیچ جایگاهی ندارند و بیشتر نظریه ها و پژوهش ها، کارآفرینان را افرادی توانا و بدون معلولیت در نظر گرفته اند. علیرغم این بی توجهی، معلولان با توجه به توانمندی هایشان می توانند مانند افراد سالم در بسیاری از مشاغل فعالیت کنند. یکی از رایج ترین و انعطاف پذیرترین روش های اشتغال و به کارگیری معلولان

1 - Becker
2 - Pagán
3 - Burchardt
4 - Jones
5 - Roni
6 - Martins
7 - Houlb
8 - Boylan

هم، خوداشتغالی یا کارآفرینی است (شفیع آبادی، ۱۳۸۲). از نظر جیمز^۱ و همکاران (۲۰۱۶)، کارآفرینی شامل خلق دیدگاه‌ها، شرکت‌ها و حق اختراع و نیز فرایند فکری پشت این آفرینش‌هاست و همچنین بیشتر گویای انرژی، خلاقیت، اشتیاق و علاقه‌ی شدید برای کشف، ایجاد و تهییج فرصت‌ها می‌باشد (بورن^۲، ۲۰۱۲)، که از طریق فرصت‌های جدید کسب و کار، فناوری‌های جدید، نوآوری، کارآیی و بهره‌وری به رشد و توسعه اقتصادی کمک می‌کند (یولاک^۳، ۲۰۱۷). با این اوصاف باید گفت که در کارآفرینی و خوداشتغالی استقلال‌شایان توجهی در ساعت و نحوه کار وجود دارد و دامنه فعالیت بسیار گسترده است و انجام آن در همه مکان‌ها امکان‌پذیر است (شفیع آبادی، ۱۳۸۲). بسیاری از معلولان به دلیل رویارویی با محدودیت‌های فراوان هنگام جست‌وجو برای یافتن کسب و کار سنتی، به کارآفرینی روی می‌آورند. این موانع ممکن است از نبود تسهیلات فیزیکی در محیط کار یا نیاز به برنامه‌ای انعطاف‌پذیر ناشی شود. با وجود این محدودیت‌های کاری، معلولان به فرصت‌هایی برای پیگیری شغل و کارآفرینی نیاز دارند (هولب، ۲۰۰۱)؛ بنابراین، خوداشتغالی از طریق کارآفرینی می‌تواند درآمدی مستمر برای معلولان و به طور ویژه برای افراد با معلولیت شدید باشد. معلولان ممکن است کارآفرینی را برای دستیابی به تعادل بیشتر بین وضعیت معلولیت و زندگی کاری برگزینند؛ برای مثال، شاید کارآفرینی انعطاف‌پذیری بیشتری از مشاغل معمولی داشته باشد یا با توجه به وضعیت معلولیت افراد، در زمینه انتخاب ساعت‌های کاری، نوع کار، شرایط و محیط کاری تطابق بیشتری داشته باشد (دویلی^۴، ۲۰۰۲). رونی (۲۰۰۹)، در بررسی ادبیات پژوهشی در حوزه کارآفرینی معلولان اذعان کرده است که تاکنون مطالعه‌ای در زمینه عوامل مؤثر بر کارآفرینی معلولان و کسب و کار آن‌ها (مانند شایستگی‌های فردی و تشخیص فرصت، جست‌وجوی اطلاعات، جمع‌آوری منابع، گروه‌سازی و ویژگی‌های ایده کسب و کار) صورت نگرفته است. پاورز (۲۰۰۸)، نیز بیان کرده است که تعداد شایان توجهی از معلولان به آموزش مهارت‌های مناسب برای کارآفرینی دسترسی ندارند و به ویژه در کشورهای در حال توسعه این افراد آموزش‌های حرفه‌ای نمی‌بینند.

در هر حال، دولت‌ها می‌توانند از طریق ارائه آموزش‌های کارآفرینی مطابق با شرایط فردی و اجتماعی محرومان، در راستای استقلال آن‌ها گامی مؤثر بردارند تا به گسترش فرصت‌های برابر اقتصادی، اجتماعی و توزیع عادلانه ثروت در جامعه منجر شود (اسعدی، ۱۳۹۱). اولین گام در این زمینه، نگرش مثبت به کارآفرینی معلولان است (نووینسکی و هادود^۵، ۲۰۱۹) و سپس گام مهم در کارآفرینی براساس رویکرد شایستگی محور، بالا بردن توانمندی‌های کارآفرینانه معلولان است؛ بنابراین، در تلاش برای برآوردن نیازهای آموزشی معلولان در جنبه‌های مختلف فرایند کارآفرینی، ضروری است بدانیم کدامیک از توانمندی‌های کارآفرینانه باید در این افراد گسترش یابد (ایزکوردو^۶ و همکاران، ۲۰۰۵) و باید گفت، توانمندسازی این افراد در حوزه‌های مختلف کارآفرینی با توجه به شایستگی‌های خود آن‌ها می‌تواند در توسعه کارآفرینی هر کشوری مثمر‌تر واقع شود.

از آنجاکه بحث توانمندی، مفهومی کاربردی در ادبیات مدیریت است. در چند سال اخیر، به نقش و اهمیت توانمندسازی در کارآفرینی نیز توجه بسیار شده است، اما نسبت به افراد معلول این توجه کماکان در خور توجه نبوده است. مان و همکاران (۲۰۰۲) معتقدند توانمندی‌های کارآفرینی توانایی کلی کارآفرین برای انجام موفق این نقش است و مطالعات متعددی رابطه مثبت بین وجود توانمندی‌ها و عملکرد شرکت را تأیید کرده‌اند (بیرد^۷، ۱۹۹۵؛ بائون^۸ و همکاران، ۲۰۰۱؛

1- Jiménez
2 - Boren
3 - Yolac
4 - Doyle
5 - Nowiński & Haddoud
6 - Izquierdo

7 - Bird
8 - Baum

کولومبو و گرلیلی^۱، ۲۰۰۵). برای حرکت در چهارچوب توسعه کارآفرینی بویژه در خصوص افراد معلول، باید از تغییرات فکری و نگرشی فردی آغاز کرد. چراکه، توانمندسازی از جایی آغاز می‌شود که بی‌قدرترین افراد جای دارند و باعث می‌شود مردم از بیرون فرایند توسعه به درون آن آورده شوند. بنابر ملاحظات نظری و پژوهشی بالاتر، باید گفت که توانمندسازی معلولان و جانبازان به واسطه توسعه کارآفرینی و اشتغال برای این گروه از جامعه تابع فرایندی است که نتیجه نهایی آن خروج معلولان از چرخه فقر و رسیدن به خودتکایی و خودکفایی و پیوستن به جریان اصلی زندگی است. اما در کشور ما، تاکنون پژوهش نظام مندی درباره کارآفرینی معلولان صورت نگرفته است. در نتیجه، سیاستگذاران از توانمندی‌های و نیازهای معلولان کشورمان برای کارآفرین شدن و نیز آموزش کارآفرینی این قشر مهم آگاهی ندارند. بر همین اساس، پرسش اصلی این پژوهش این است که؛ مدل توسعه کارآفرینی با رویکرد توانمندسازی معلولین و جانبازان چگونه باید ترسیم گردد؟

روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های کیفی است که با استفاده از روش نظریه بر خاسته از داده‌ها^۲، به جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها می‌پردازد. این رویکرد به دنبال ایجاد یک نظریه یا مدل و الگوست (چارماز^۳، ۲۰۰۷: ۶۲). در این نوع از پژوهش به اطلاع‌رسانان کلیدی [و درگیر با ابعاد و اضلاع مسئله و موضوع تحقیق] مراجعه می‌شود و کوشش به عمل می‌آید که [با روش کیفی و از طریق مصاحبه عمیق، فعال و اکتشافی با این مطلعان] در ساختار درونی ارزش‌ها و تجارب آنان که به نحوی از انحا با موضوع تحقیق ارتباط دارد، تعمق و امعان نظر شود. طبیعی است که این کار همان‌طور که گلیزر^۴ (۱۹۹۸) از مبدعان این نظریه تأکید کرده است، به حساسیت نظری^۵ لازم برای فهم محتوای کلامی [و رفتاری] نیاز دارد تا مفاهیم و مقولات مرتبط با موضوع استحصال و روابط آن‌ها بررسی شود. طرز اندیشیدن مفهوم‌سازانه یکی از لوازم اصلی کار در نظریه برخاسته از داده‌هاست، که محققان نیز از این راهبرد بهره لازم را برده‌اند.

ابزار و نمونه: در پژوهش حاضر از ابزار مصاحبه اکتشافی و نیمه‌ساختار یافته، یادداشت‌برداری و مرور اسناد استفاده شده است. نمونه‌گیری در این پژوهش به صورت هدفمند که از روش‌های نمونه‌برداری غیراحتمالی استفاده شده است. در راستای گردآوری داده‌های مناسب از روش نمونه‌گیری نظری استفاده گردید. نمونه‌گیری نظری فرایند گردآوری داده‌ها برای تولید نظریه است که به وسیله تحلیل‌گر به‌طور هم‌زمان داده‌های خود را گردآوری، کدگذاری و تحلیل کرده و در مورد داده‌هایی که بعداً گردآوری می‌شوند و نیز محل یافتن آن‌ها تصمیم می‌گیرد، تا نظریه خود را آن‌طور که خودش ظهور می‌یابد، توسعه دهد (گلیزر، ۱۹۹۸). بدین منظور، برای شناسایی افراد مصاحبه‌شونده از نظرات اساتید حوزه کارآفرینی استفاده شده است و اطلاع‌رسانان بر اساس اهداف خاص پژوهش انتخاب شده‌اند و بر حسب محتویات مصاحبه‌های اکتشافی با اطلاع‌رسانان، و با روش گلوله برفی، مراجعه به اطلاع‌رسانان دیگری ضرورت یافت. نمونه‌گیری و مصاحبه تا زمانی ادامه پیدا کرد که فرایند تجزیه و تحلیل و اکتشاف به اشباع نظری برسد. معیار قضاوت در مورد زمان متوقف کردن نمونه‌برداری، کفایت نظری مقوله‌های پژوهش است. بنا براین، با تعداد ۱۶ نفر از اطلاع‌رسانان کلیدی (متخصصان موضوعی کارآفرینی و کارشناسان توانبخشی حرفه‌ای معلولان در بهزیستی‌ها) مصاحبه اکتشافی صورت گرفته است.

تحلیل داده‌های پژوهش: تحلیل مصاحبه‌ها به صورت مستمر با کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام شد. برای اطمینان از کیفیت، هر مصاحبه پیاده شده حداقل سه بار مورد بازنگری قرار گرفت و جملات شرکت‌کنندگان برای

1 - Colombo & Grilli

2- Grounded Theory

3- Charmaz

4- Glaser

5- Theoretical Sensitivity

بررسی انسجام و سازگاری با بقیه اظهارات وی در مصاحبه مقایسه شدند. همچنین تعدادی از مصاحبه‌ها حسب درخواست خود مصاحبه شوندگان (تقریباً یک سوم مصاحبه‌ها) برای ایشان ارسال شد تا پیاده سازی آن نیز مورد تایید قرار گیرد.

اطمینان پذیری و اعتباریابی^۱: برای اطمینان پذیری از محقق ساختن معیار تناسب^۲ یافته‌ها از سه نفر متخصصان حوزه کارآفرینی در دانشگاه محقق اردبیلی استفاده شد. همچنین مدل پدیدار شده، به چهار نفر از مشارکت‌کنندگان ارائه شده و نظریه‌های تکمیلی آنان دریافت و اعمال گردید. برای تحقق معیار منطق^۳ و عمق^۴ مسئله نیز در روند مصاحبه‌ها و تحلیل آن‌ها تلاش گردید جریان مصاحبه از پیوستگی و توالی مناسبی برخوردار شود و ماحصل یافته‌ها در طول مصاحبه به‌طور مبسوط، همراه با جزئیات و با توجه به مقوله‌ها و ابعاد آن بازبینی شود. در نهایت، برای تحقق معیار استناد به یادداشت‌ها؛ به دلیل اینکه پژوهشگر در فرایند تحلیل یافته‌ها تمامی مباحث و گفته‌ها را نمی‌تواند به خاطر بیاورد، استفاده از یادداشت‌ها ضرورت یافت، تا پژوهشگر در فرایند انجام و تحلیل مصاحبه‌ها به یادداشت‌های مستخرج از داده‌ها استناد نماید.

نتایج

۱- از دیدگاه متخصصان (اطلاع‌رسانان کلیدی) مقوله‌های اثرگذار بر توسعه کارآفرینی با توجه به رویکرد توانمندسازی معلولان و جانبازان کدام‌اند؟

برای پاسخگویی به این سؤال داده‌های کیفی جمع‌آوری شده از طریق مصاحبه بر اساس روند نظریه داده بنیاد مورد واریسی و تحلیل شدند. مصاحبه‌های ضبط شده پس از پیاده‌سازی، با استفاده از روش تحلیل محتوا به صورت سطر به سطر واکاوی، مفهوم‌یابی، طبقه‌بندی و همچنین، بر اساس مشابهت، ارتباط مفهومی و خصوصیات مشترک بین کدهای باز، مفاهیم و مقوله‌ها مشخص گردیدند. در جدول ۱ کدهای اولیه و دوم (مرحله کدگذاری باز) مفاهیم با تشکیل مقوله‌های محوری؛ جدول ۲ طبقه‌بندی مقوله‌های هسته‌ای و سپس جدول ۳ مقوله‌های عمده به لحاظ شرایط علی، زمینه‌ای، میانجی، پدیده محوری و راهبردها و پیامدهای مربوط ارائه شده است.

تحلیل داده‌ها (کدگذاری)

الف) کدگذاری باز^۵: در مرحله اولیه کدگذاری باز، مفاهیم استخراج شده با یک مقوله نام‌گذاری شدند و مقوله‌هایی انتخاب شدند که بیشترین بار معنایی را داشته‌اند. بنابراین، با بررسی داده‌های اولیه، تعداد ۳۱۴ مفهوم به استحصال گردید. بعد از انجام کدگذاری باز (مرحله اول)، در مرحله دوم کدگذاری باز، مفاهیم و مقوله‌های مشابه و مشترک از طریق مقایسه‌ای ثابت داده‌ها در یکدیگر ادغام گردیدند و مقوله‌های همسان و دارای بار معنایی مشترک با تاکید بر فراوانی مفاهیم و مقوله‌ها در قالب یک مفهوم و مقوله واحد قرار داده شدند و بر این اساس، تجمیع داده‌ها به تعداد مشخص و محدودی از مقوله‌های کلی کاهش یافت که در این مرحله، ۲۶۹ مفهوم و ۵۰ مقوله عمده به دست آمد.

ب) کدگذاری محوری^۶: بعد از مشخص شدن مقوله‌های عمده پژوهش، کدگذاری محوری شروع شد. در این مرحله نیز، به منظور ترسیم الگوی پارادایمی، باید بین مقوله‌های محوری نظم منطقی ایجاد می‌گردید. بدین منظور، بار دیگر کدگذاری‌ها با یکدیگر مقایسه و در قالب مقوله‌هایی که باهم تناسب دارند، با همدیگر ادغام شدند که در نهایت ۱۶ مقوله محوری (هسته‌ای) از ۵۰ مقوله عمده به دست آمد که حول یک محور جهت تشکیل یک بافت مستحکم از روابط به

1. Validating
2. Fitness
3. Logic
4. Depth
5. Open Coding
6. Axial Coding

در نهایت با کدگذاری محوری، با الهام از گلاسر، مقوله های محوری احصاء شده به عنوان سیستم فرایندها، که دارای مراحل، گام‌ها و توالی‌های مرتبط با یکدیگر است، همانند شکل ۴، در نظر گرفته شدند.

جدول ۱- شناسایی کدهای اولیه، فراوانی و کدگذاری محوری

ردیف	منبع کدهای اولیه	مقوله‌ی عمده	تعداد کدهای باز مرحله دوم	مقوله محوری
۱	P14 P11 P10 P8 P6 P5 P2 P1 P1 P15	استقلال عمل	۹	ویژگی های فردی (عوامل فردی) (۴۴)
	P16 P11 P9 P7 P7 P6 P5 P4 P3 P1	خلاقیت ذهنی	۹	
	P11 P7 P7 P2	تخصص	۳	
	P11 P9 P8 P7 P4 P3 P2	تجربیات شغلی	۷	
	P14 P11 P9 P9 P7 P4 P3	توجه به نیازها	۶	
	P14 P9 P9 P4	انگیزش درونی	۳	
	P12 P7 P6 P7 P4	تلاش و پشتکار	۴	
	P15 P14 P2	ویژگی های فردی	۳	
۲	P15 P5 P5 P1 P6 P1 P7 P11	حمایت خانواده	۷	عوامل خانوادگی (۱۴)
	P7 P5 P1P3	مشوق خانوادگی	۴	
	P12 P10 P6	احساس وابستگی	۳	
۳	P13 P8 P7 P7 P7 P5 P1 P9	حمایت اجتماعی	۶	عوامل اجتماعی (۱۴)
	P14 P12 P10 P9 P6 P4 P2 P1	حقوق انسانی	۸	
۴	P11 P14 P7 P9 P7 P5 P3 P1 P1 P16	حمایت مالی	۸	عوامل مالی (۱۳)
	P13 P10 P10 P9 P5 P4	تسهیلات مناسب	۵	
۵	P10 P10 P8 P7 P6 P6 P5 P2 P1 P15 P16 P15 P14 P14 P11	حمایت دولت	۱۲	عوامل ساختاری/سازمانی (۵۶)
	P16 P16 P15 P11 P8 P7 P6 P2	برنامه راهبردی	۷	
	P14 P8 P8 P5 P5 P5 P2	تمرکززدایی	۵	
	P16 P14 P8 P7 P3 P2	دوراندیشی	۶	
	P10 P8 P6 P2	تشکیلات راهبری	۴	
	P12 P6 P3 P2	هماهنگی	۴	
	P9 P4 P3	شفافیت قانونی	۳	
	P15 P8 P8 P4	سیاستگذاری	۴	
	P15 P14 P9 P9 P4 P4	تحقیق و توسعه	۶	
	P9 P9 P5 P4 P4 P4 P2 P1	اصلاح ساختارها	۵	
۶	P12 P10 P8 P6 P3 P2 P1 P1	تبعیض نگرشی	۷	تبعیض نگرشی
۷	P9 P8 P4 P2 P1	نظارت حمایتی	۵	نظارت حمایتی
۸	P14 P14 P13 P13 P16 P15 P14 P15 P14 P12 P15	تجارب استانی	۳	تجارب (۹)
		تجارب ملی	۳	
		تجارب بین المللی	۳	

تغییر نگرش	۱۱	تغییر نگرش	P11 P10 P9 P6 P4 P3 P3 P2 P1 P1 P14 P13 P12	۹
اصلاح زیرساختی	۶	اصلاح زیرساخت ها	P14 P9 P6 P5 P4 P1 P1	۱۰
توافق جمعی	۳	توافق جمعی	P9 P4 P3	۱۱
مشارکت	۶	مشارکت	P9 P7 P7 P5 P4 P3	۱۲
حمایت خیرین	۵	حمایت خیرین	P16 P15 P14 P14 P13 P13 P5	۱۳
توانمندسازها (۲۰)	۴	خدمات توانبخشی حرفه ای	P15 P14 P11 P1	۱۴
	۳	سرمایه گذاری استانی	P12 P10 P6	
	۳	آموزش مهارت ها	P14 P8 P2 P2	
	۴	تسهیم دانش کارآفرینی	P16 P14 P13 P2	
	۳	تسهیم تجارب کارآفرینی	P14 P13 P3	
	۳	برگزاری نمایشگاه	P16 P13 P14 P16 P13 P14 P P13	
پیامدها (۲۸)	۵	احساس رضایت	P16 P15 P13 P12 P1	۱۵
	۳	رفاه اجتماعی	P3 P2 P1	
	۸	منزلت اجتماعی	P13 P15 P6 P4 P6 P9 P10 P1 P12	
	۴	احساس خوداثربخشی	P16 P8 P7 P2	
	۵	امید به زندگی	P15 P9 P6 P4 P3	
	۳	احساس شایستگی	P16 P15 P14	
	۶	اصل شایستگی	P16 P11 P7 P6 P3 P2	۱۶
	۱۰	اصل خودباوری	P12 P11 P10 P7 P6 P5 P3 P2 P1 P16	
	۹	اصل خوداشتغالی	P14 P13 P11 P8 P7 P3 P2 P1 P1 P16	
	۳	اصل فرصت آفرینی	P11 P10 P7	
۱۶	۲۶۹	۵۰	۳۱۴	مجموع

جدول ۲- تعداد مفاهیم، مقوله‌های عمده و هسته‌ای استخراج شده به تفکیک ابعاد توسعه کارآفرینی

ردیف	مقوله‌های هسته‌ای	مقوله‌های عمده	تعداد مفاهیم استخراج شده
۱	عوامل فردی	۸	۴۴
۲	عوامل خانوادگی	۳	۱۴
۳	عوامل اجتماعی	۲	۱۴
۴	عوامل مالی	۲	۱۳
۵	عوامل ساختاری/سازمانی	۱۰	۵۶
۶	تبعیض نگرشی	۱	۷
۷	نظارت حمایتی	۱	۵
۸	تجارب	۳	۹
۹	تغییر نگرش	۱	۱۱
۱۰	اصلاح زیرساخت ها	۱	۶
۱۱	توافق جمعی	۱	۳
۱۲	مشارکت	۱	۶
۱۳	حمایت خیرین	۱	۵

۲۰	۶	توانمندسازها	۱۴
۲۸	۶	پیامدها	۱۵
۲۸	۴	پدیده (توسعه کارآفرینی)	۱۶
۲۶۹	۵۰	جمع کل	۱۶

جدول ۳- طبقه‌بندی نهایی مقوله‌های عمده به تفکیک سه بُعد شرایطی، تعاملی/فرایندی و پیامدی

ردیف	مقوله‌های عمده	مقوله‌های محوری	نوع مقوله
۱	استقلال عمل، خلاقیت ذهنی، تخصص، تجربیات شغلی، توجه به نیازها، انگیزش درونی، تلاش و پشتکار، ویژگی‌های فردی	عوامل فردی	شرایطی
۲	حمایت خانواده، مشوق خانوادگی، احساس وابستگی	عوامل خانوادگی	شرایطی
۳	حمایت اجتماعی، حقوق انسانی	عوامل اجتماعی	شرایطی
۴	حمایت مالی، تسهیلات مناسب	عوامل مالی	شرایطی
۵	حمایت دولت، برنامه راهبردی، تمرکززدایی، دوران‌دیشی، تشکیلات راهبری، هماهنگی، شفافیت قانونی، سیاست‌گذاری، تحقیق و توسعه، اصلاح ساختارها	عوامل ساختاری/ سازمانی	شرایطی
۶	اصل شایستگی، اصل خودباوری، اصل خوداشتغالی، اصل فرصت آفرینی	توسعه کارآفرینی	پدیده محوری
۷	تبعیض نگرشی	تبعیض نگرشی	شرایطی
۸	نظارت حمایتی	نظارت حمایتی	شرایطی
۹	تجارب استانی، تجارب ملی، تجارب بین‌المللی	تجارب	شرایطی
۱۰	تغییر نگرش	تغییر نگرش	شرایطی
۱۱	اصلاح زیرساخت‌ها	اصلاح زیرساخت‌ها	شرایطی
۱۲	توافق جمعی	توافق جمعی	شرایطی
۱۳	مشارکت	مشارکت	شرایطی
۱۴	حمایت خیرین	حمایت خیرین	شرایطی
۱۵	خدمات توانبخشی حرفه‌ای، سرمایه‌گذاری استانی، آموزش مهارت‌ها، تسهیم دانش کارآفرینی، تسهیم تجارب کارآفرینی و برگزاری نمایشگاه‌ها	توانمندسازها	تعاملی
۱۶	احساس رضایت، رفاه اجتماعی، منزلت اجتماعی، احساس خوداثربخشی، امید به زندگی، احساس شایستگی	نتایج	پیامدی

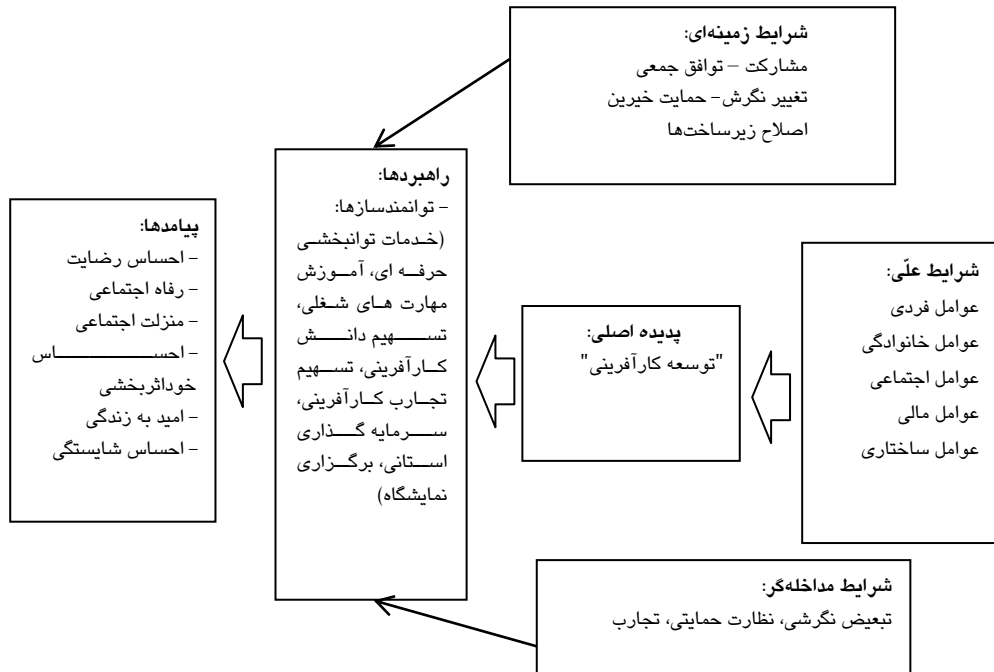
همان‌طور که در جدول ۳ مشخص است، تمام مقوله‌های محوری (هسته‌ای) در قالب مقوله‌های شرایطی، تعاملی/فرایندی و پیامدی طبقه‌بندی شده‌اند.

۲- چه الگویی را می‌توان برای توسعه کارآفرینی با رویکرد توانمندسازی معلولان و جانبازان متصور شد؟

در پاسخ به سؤال مذکور، پس از مطالعه مبانی نظری موجود و تحلیل مصاحبه‌ها، مقوله‌های اصلی و فرعی مربوط به

پدیده توسعه کارآفرینی مبتنی بر الگوی توانمندسازی معلولان و جانبازان احصا و الگوی نهایی به شرح شکل ۱ تدوین گردید.

ج) کدگذاری انتخابی^۱: در این مرحله نظریه پرداز داده بنیاد مقوله محوری در جدول ۲ و ۳ را به طور روشمند انتخاب و با ارتباط دادن آن با سایر مقوله‌ها به ترسیم مدل پارادایمی اقدام نمود که شرحی انتزاعی برای فرایندی که در پژوهش مطالعه شده است، بیانجامد. مدل ترسیمی^۲ ارائه شده برای توسعه کارآفرینی با رویکرد توانمندسازی معلولان و جانبازان به صورت شکل ۱ ترسیم شد.



شکل ۱- الگوی نهایی زمینه‌ای فهم توسعه کارآفرینی مبتنی بر توانمندسازی معلولان

بحث و پیشنهادها

بحث و نتیجه گیری در مورد یافته های پژوهش در قالب سوال های پژوهش ارائه شده است که باید گفت یافته های کیفی با پیشینه تجربی و نظری به منظور ارائه دیدگاهی جامع تر از هر بحث بطور مقایسه ای ارائه شده اند. شرایط علی تأثیرگذار بر توسعه کارآفرینی مبتنی بر توانمندسازی معلولان و جانبازان کدامند؟ بر مبنای یافته های پژوهش در این مطالعه پنج عامل اصلی به عنوان پیش آیندهای توسعه کارآفرینی کشف و ارائه شدند. از دیدگاه مصاحبه شوندگان چنانچه در استان اردبیل توسعه کارآفرینی با رویکرد توانمندسازی معلولان و جانبازان اتفاق بیافتد؛ باید در ابتدا به دو پنج تا عامل اساسی توجه شود تا سایر عوامل و مولفه ها امکان ظهور و تحقق اجرایی را داشته باشند. این عوامل

شامل "عوامل فردی" یعنی ویژگی های خود معلولان و جانبازان است که استقلال عمل، خلاقیت ذهنی، تخصص، تجربیات شغلی، توجه به نیازها، انگیزش درونی، تلاش و پشتکار، سایر ویژگی های فردی را در بر می گیرد. عامل دیگر

¹. selective coding
². Visual Model

"عوامل خانوادگی" می باشد که حمایت خانواده، مشوق خانوادگی و احساس وابستگی به خانواده را در بر می گیرد. عامل دیگر "عوامل اجتماعی" که حمایت اجتماعی و حقوق انسانی معلولان و جانبازان را شامل می گردد. در نهایت عوامل دیگر از جمله؛ "عوامل مالی" با حمایت مالی نهادها و ... و تسهیلات مناسب بانکی و "عوامل ساختاری/سازمانی" با حمایت دولت، برنامه راهبردی، تمرکززدایی، دوران‌دیشی، تشکیلات راهبری، هماهنگی، شفافیت قانونی، سیاستگذاری، تحقیق و توسعه، اصلاح ساختارها .

شرایط علی در کل آن‌هایی هستند که به‌طور مستقیم به مقوله کانونی توسعه کارآفرینی با رویکرد توانمندسازی می‌انجامد و منشأ آن فرایند توسعه است که بعنوان پدیده تحقق پیدا می‌کند. یعنی؛ با عوامل ذکر شده و پیوند و ارتباط آن‌ها با یکدیگر از طریق رفع تبعیض های نگرشی از طرف جامعه، سازمان ها و شرکت ها؛ تجارب استانی، ملی و بین‌المللی کارآفرینی و نیز با نظارت حمایتی همه جانبه به‌عنوان شرایط مداخله‌گر یا واسطه‌ای و مشارکت و توافق جمعی نهادهای حمایتی (حمایت خیرین) و سازمان های کارآفرین با اصلاح زیرساخت ها و تغییر نگرش از منفی به مثبت به‌عنوان شرایط زمینه‌ای هم‌افزایی ایجاد می‌کند. بررسی ادبیات پژوهشی در این زمینه نشان می‌دهد تاکنون مطالعه ای در زمینه مدل توسعه کارآفرینی معلولان با توجه به توانمندی های آنان انجام نشده و بیشتر مطالعات انجام شده مربوط به سایر گروه های جامعه است. این یافته با نتایج مطالعات ورکیانی پور و همکاران (۱۳۹۸)، عطایی کچویبی (۱۳۹۷)، ابراهیمی (۱۳۹۶)، کرمانی و همکاران (۱۳۹۴) و شیر و همکاران (۲۰۱۹) همسو می‌باشد. بنابراین، کدهای مفهومی مستخرج از متن مصاحبه‌شوندگان نیز حاکی از این همسویی بوده است. بر اساس فراوانی داده ها از عوامل فردی بالاترین فراوانی مربوط به توجه به خلاقیت ذهنی معلولان (۹) و کمترین فراوانی مربوط به تخصص و انگیزش درونی (۳)؛ از بین عوامل خانوادگی نیز بالاترین فراوانی مربوط به مقوله حمایت خانواده ها از معلولان (۷) می باشد. از بین عوامل اجتماعی بالاترین فراوانی مربوط به حقوق انسانی معلولان (۸) و از عوامل مالی حمایت مالی (۸) و در نهایت از عوامل ساختاری بالاترین فراوانی مربوط به حمایت همه جانبه دولت (۱۲) بوده است. می توان نتیجه گرفت، سه مقوله؛ حمایت دولت، خلاقیت ذهنی معلولان و حمایت مالی و حمایت خانواده ها از توسعه کارآفرینی با رویکرد توانمندسازی معلولان به ترتیب بیشترین نقش را به عنوان پیش آینده‌ای توسعه کارآفرینی در استان اردبیل را ایفا خواهد کرد. بنابراین، کارآفرینان با بهره گیری از نیروهای مولدی که در خود برای حل خلاقانه مساله دارند، با خطرپذیری و تحمل قابل توجه، می توانند با زیرکی و ظرافت و سرعت هرچه تمامتر، تهدیدها و تنگناهای محیطی را در جامعه به فرصت تبدیل کنند (نیک رفتار، ۱۳۹۰: ۱۲۵) که این امر با عوامل پنج گانه بالا با سرعت بیشتری می تواند تحقق پیدا کند.

راهبردهای توسعه کارآفرینی با رویکرد توانمندسازی معلولان و جانبازان کدامند؟ مطابق با یافته‌های کیفی پژوهش در این مطالعه شش عامل؛ خدمات توانبخشی حرفه ای، سرمایه گذاری استانی، آموزش مهارت ها، تسهیم دانش کارآفرینی، تسهیم تجارب کارآفرینی و برگزاری نمایشگاه ها از نظر مصاحبه شونده گان بر توسعه کارآفرینی مبتنی بر رویکردی توانمندسازی معلولان تشخیص داده شد. از نظر آن‌ها مؤسسات توانبخشی حرفه ای به عنوان یک نهاد حمایتی، نه رسمی بالاترین تأثیر را در بلندمدت بر توسعه توانمندسازی کارآفرینانه معلولان می‌تواند داشته باشد چراکه، این مؤسسات به عنوان بخشی از نهادهای حمایتی دولت در نظر گرفته شده است و با هدف پاسخگویی به نیازهای شغلی و حرفه ای معلولان و جانبازان می‌تواند در جهت توسعه کارآفرینی مؤثر واقع شود. در کل، علاوه بر نقش این مؤسسات در توانمندسازی معلولان و جانبازان از طریق آموزش مهارت ها، تسهیم دانش و تجارب کارآفرینی و نیز برگزاری نمایشگاه

های توانمندی معلولان آنچه که می‌تواند نقش راهبرد اساسی را ایفا کند، سرمایه گذاری استانی است که نقش شرکت ها

و حمایت خیرین از این شرکت ها در این سرمایه گذاری بسیار تاثیرگذار است.

از نظر مصاحبه‌شوندگان هرچند پدیده توسعه کارآفرینی در جامعه ناشی از موجبات علی و تحت‌تأثیر شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر است، ولی در این اثنا نقش عاملیت انسانی و کنشگران را نباید نادیده گرفت. آن‌ها با مداخلات و راهبردهای خود می‌توانند این فرایند را تسهیل کنند (فراستخواه، ۱۳۸۷). در کل، توسعه کارآفرینی مطابق با راهبردهای ذکر شده که توانمندساز معرفی شده‌اند. چراکه، ضرورت کارآفرینی به عنوان شرط بقا و توسعه آن به عنوان یکی از ابزارهای حیاتی راهبردی و کلیدی، برای مواجهه با دنیای کارآفرینی را کاملاً روشن و بدیهی کرده است. از نظر بسیاری از کارشناسان اقتصادی، کارآفرینی به عنوان موتور محرک اقتصادی، نقش‌های فراوان و متفاوتی را در جامعه ایفا می‌کند و نقش مهمی در ایجاد ارزش داشته و مبنای تمامی تحولات و پیشرفت‌های بشری به شمار می‌آید (پنک، ۲۰۱۲: ۹۵) و راهبردهای کشف شده در این پژوهش در توسعه کارآفرینی مبتنی بر توانمندسازی معلولان می‌تواند موثر واقع شود. بر اساس فراوانی مکانیسم‌های شناسایی شده بر پیشبرد توسعه کارآفرینی با رویکرد توانمندسازی معلولان به ترتیب؛ توسعه خدمات توانبخشی حرفه‌ای در جامعه با (۴)، تسهیم دانش و تجارب کارآفرینی با (۷)، و سرمایه‌گذاری استانی در حوزه کارآفرینی با (۳) می‌توان نتیجه گرفت، سه عامل فوق از مکانیسم‌های راهبردی در فرایند توسعه کارآفرینی باید مدنظر قرار گیرد. مطابق پژوهش‌های گذشته، توسعه شایستگی‌های کارآفرینانه عامل اساسی در توانمندسازی افراد و تبدیل شدن آن‌ها به کارآفرینان موفق است. با وجود این، تعداد شایان توجهی از معلولان به آموزش مهارت‌های مناسب برای کارآفرینی دسترسی ندارند و به ویژه در کشورهای درحال توسعه این افراد آموزش‌های حرفه‌ای نمی‌بینند (پاورز، ۲۰۰۸) که در کشور ما نیز این امر یک مسأله شده است. دولت‌ها می‌توانند از طریق ارائه آموزش‌های کارآفرینی مطابق با شرایط فردی و اجتماعی معلولان، در راستای استقلال آن‌ها گامی مؤثر بردارند تا به گسترش فرصت‌های برابر اقتصادی، اجتماعی و توزیع عادلانه ثروت در جامعه منجر شود (اسعدی، ۱۳۹۱). بر همین مبنا در این پژوهش نیز مصاحبه‌شوندگان بر ایجاد و یا تاسیس موسسات خدمات توانبخشی حرفه‌ای بیشترین تأکید را داشته‌اند که اینگونه موسسات می‌توانند علاوه بر آموزش کارآفرینی بر معلولان، زمینه سرمایه‌گذاری‌های استانی، تسهیم دانش و تجارب کارآفرینی را با برگزاری نمایشگاه‌های توانمندساز برای معلولان را فراهم کنند.

عوامل زمینه‌ای توسعه کارآفرینی با رویکرد توانمندسازی معلولان و جانبازان کدامند؟ براساس دیدگاه مشارکت-کنندگان، عوامل زمینه‌ای در پنج مقوله تغییر نگرش‌ها، اصلاح زیرساخت‌ها، توافق جمعی، مشارکت و حمایت خیرین تشخیص داده شد. موجبات علی پدیده توسعه کارآفرینی نه در خلأ، بلکه در شرایط خاص محیطی (بسترها) شکل می‌گیرند و در نتیجه، فرایند توسعه کارآفرینی که نیازمند توافق جمعی نهادهای دولتی و غیردولتی با تغییر نگرش به اینکه "معلولیت محدودیت نیست" و اصلاح زیرساخت‌های استانی به لحاظ توانمندساز کردن وضعیت معلولان با حمایت خیرین می‌باشند در سایه ایجاد این بسترها توسعه کارآفرینی مبتنی بر توانمندسازی معلولان معنا پیدا خواهد کرد.

زمینه‌نشانگر شرایط خاصی است که در آن راهبردهای کنش متقابل برای پاسخ به پدیده صورت می‌گیرند. راهبردهای توسعه کارآفرینی نیز متأثر از این زمینه‌هاست. در واقع، اولین گام در این زمینه، نگرش مثبت به کارآفرینی معلولین است که برای نیل به کارآفرینی بالا ضروری است. سپس گام مهم در کارآفرینی براساس رویکرد شایستگی محور، تعیین توانمندی‌های کارآفرینانه است؛ بنابراین، در تلاش برای برآوردن نیازهای آموزشی معلولان در جنبه‌های مختلف فرایند کارآفرینی، ضروری است بدانیم کدامیک از توانمندی‌های کارآفرینانه باید در این افراد گسترش یابد (ایزکورد و همکاران، ۲۰۰۵). مدت‌هاست که توانمندی، مفهومی کاربردی در ادبیات مدیریت دارد. البته در چند سال اخیر به نقش و

اهمیت توانمندی در عملکرد افراد توجه شده است. توانمندی مجموعه‌ای از تجربه‌ها، دانش‌ها، مهارت‌ها و نگرش‌هاست که افراد در طول زندگی برای عملکرد مؤثر در وظیفه و شغل خود به دست می‌آورند. بر اساس فراوانی مقوله‌های شرایط زمینه‌ای شناسایی شده بر توسعه کارآفرینی مبتنی بر توانمندسازی معلولان و جانبازان به ترتیب؛ تغییر نگرش (از منفی به مثبت) با فراوانی (۱۱)، مشارکت و اصلاح زیرساخت‌ها با فراوانی (۶) و حمایت خیرین با فراوانی (۵) می‌توان نتیجه گرفت، از پنج عامل زمینه‌ساز تغییر نگرش بیشترین نقش را به عنوان نقش زمینه‌ای توسعه کارآفرینی می‌تواند داشته باشد. چراکه، توانمندی مجموعه‌ای از تجربه‌ها، دانش‌ها، مهارت‌ها و نگرش‌هاست که افراد در طول زندگی برای عملکرد مؤثر در وظیفه و شغل خود به دست می‌آورند. و از آنجا که، تغییر نگرش ترحم آمیز به معلولان در جامعه ما همواره مشکلات زیادی را برای معلولان به لحاظ انگیزشی ایجاد می‌کند، باید این نگرش در جامعه تغییر پیدا کند. علی‌رغم اینکه افراد دارای معلولیت از نظر آماری درصد کمی از کل جمعیت را تشکیل می‌دهند، ولی با نگرش به رقم آنان مشاهده می‌شود که قشر قابل توجهی از جامعه را شامل شده‌اند. مادامی که این قشر عظیم از جامعه طرد شوند و در چرخه اشتغال و تولید قرار نگیرند، نه تنها ممکن است به افرادی مصرف‌کننده تبدیل شوند بلکه فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی دیگر اعضای خانواده را نیز تحت الشعاع خود قرار می‌دهند. همین امر سبب بروز بسیاری از مشکلات اجتماعی و فرهنگی در جامعه شده و اثرات مهلکی به لحاظ عاطفی و روحی روانی نظیر: پریشانی، اضطراب، افسردگی و عدم اعتماد به نفس فرد را بر فرد دارای معلولیت وارد می‌نماید (فرجی، ۱۳۸۹).

شرایط مداخله‌ای (واسطه‌ای) توسعه کارآفرینی با رویکرد توانمندسازی معلولان و جانبازان کدامند؟ براساس دیدگاه مشارکت‌کنندگان، عوامل مداخله‌ای در توسعه کارآفرینی با سه مقوله اساسی تبعیض نگرشی، نظارت حمایتی و تجارب تشخیص داده شده است. شرایط مداخله‌گر یا میانجی را می‌توان به منزله زمینه ساختاری وسیع‌تر مربوط به پدیده در نظر گرفت که در جهت تسهیل یا محدودیت راهبردهای پدیده موردنظر در زمینه خاص عمل می‌کنند (کوربین و اشتراوس، ۲۰۱۴). با توجه به نتایج کدگذاری، کنش متقابل و فرایند توسعه کارآفرینی در جامعه تحت تاثیر مقوله‌های تبعیض نگرشی، نظارت حمایتی و تجارب کارآفرینی است. باید گفت علاوه بر شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر نیز شرایطی هستند که بر چگونگی کنش متقابل و راهبردهای پیشنهادی اثر می‌گذارند. بر اساس مصاحبه‌های انجام شده و تحلیل آن‌ها شرایط مداخله‌گر در این پژوهش چنانچه، از کیفیت لازم برخوردار نباشد راهبردهای پیشنهادی را با مشکل مواجه خواهد نمود. چراکه، نظارت حمایتی به عنوان پیش‌برندگان اصلی توسعه کارآفرینی از طریق نفوذ بر تخصیص منابع، تصریح و شفاف نمودن نقش‌ها و مسئولیت‌ها، ایجاد مشارکت و توانمندسازی افراد و مدیریت فرایندها تأثیرگذار است. در تبیین این یافته‌ها باید گفت که از مقوله‌های بسیار مهم توسعه کارآفرینی مقوله "نظارت حمایتی" است که بیشترین تأثیر را می‌تواند در توسعه کارآفرینی داشته است. نظارت و کنترل به کارآفرینان کمک می‌کند که بر اثربخشی، برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی و هدایت کردن فعالیت‌ها نظارت نمایند (استونر و همکاران، ترجمه اعرابی و پارسائیان، ۱۳۹۳)، هر چند نظارت حمایتی بسیار اثربخش‌تر از نظارت‌های دستوری است. بر اساس فراوانی‌های شرایط مداخله‌ای/تسهیل‌گر شناسایی شده بر پیشبرد توسعه کارآفرینی در توانمندسازی معلولان به ترتیب؛ رفع تبعیض‌های تجارب با ۹ فراوانی، نگرشی با فراوانی ۷، و نظارت حمایتی با ۵ فراوانی می‌توان نتیجه گرفت، از سه عامل مداخله‌گر توسعه کارآفرینی؛ تجارب کارآفرینی در سه سطح استانی، ملی و بین‌المللی بیشترین نقش را به عنوان نقش تسهیل‌گر در توسعه کارآفرینی با رویکرد توانمندسازی معلولان باید مورد توجه قرار گیرد.

نتایج و برایندها (پیامدها) توسعه کارآفرینی با رویکرد توانمندسازی معلولان و جانبازان کدامند؟ اعمال (کنش‌ها) و عکس‌العمل‌ها (واکنش‌ها) که در مقابله یا جهت‌داره و کنترل پدیده صورت می‌گیرد، پیامدهایی را در پی خواهد داشت.

پیامدها در راستای توسعه کارآفرینی مبتنی بر توانمندسازی معلولان و جانبازان به احساس رضایت، رفاه اجتماعی، منزلت اجتماعی، احساس خوداثربخشی، امید به زندگی و احساس شایستگی خواهد انجامید. بر اساس کدهای احصاء شده در صورتی که توسعه کارآفرینی مبتنی بر توانمندسازی معلولین اشاعه و نهادینه شود منزلت و رفاه اجتماعی و در کل احساس رضایت بیشتر در معلولان و جانبازان در جامعه قابل حصول خواهد بود. این نتیجه پژوهش با نتایج پژوهش‌های قبلی از جمله؛ ورکیانی پور و همکاران (۱۳۹۸)، عطایی کچویی (۱۳۹۷)، کیانی چلمردی (۱۳۹۷)، ابراهیمی (۱۳۹۶)، کرمانی و همکاران (۱۳۹۴) و شیر و همکاران (۲۰۱۹) همخوانی داشته و باید گفت که نتیجه توسعه کارآفرینی بر اساس نظرات صاحب‌نظران حوزه کارآفرینی بهبود رضایت خاطر افراد بوده است. بر اساس فراوانی‌های پیامدهای شناسایی شده بر توسعه کارآفرینی به ترتیب؛ منزلت اجتماعی با فراوانی ۸، احساس رضایت و امید به زندگی با فراوانی ۵، احساس خوداثربخشی با فراوانی ۴ و نیز رفاه اجتماعی و احساس شایستگی با فراوانی ۳؛ می‌توان نتیجه گرفت، سه عامل از میان پیامدهای توسعه کارآفرینی برای معلولان و جانبازان؛ منزلت اجتماعی، احساس رضایت و امید به زندگی به ترتیب بیشترین نقش را به عنوان پیامدهای توسعه کارآفرینی داشته است.

نتیجه‌گیری

توسعه کارآفرینی با رویکرد توانمندسازی معلولان و هدایت آن از مرحله آغاز تا مرحله حصول نتیجه نیازمند توجه بیشتر و حمایت‌های زیاد دولت و ملت است. در ادامه پیشنهادات اجرایی و کاربردی بر اساس هر یک از یافته‌ها ارائه می‌گردد: مدیران نهادهای حامی در سطح کشور به ویژه استان‌ها باید برنامه راهبردی و قانون شفافی را در جهت توانمندسازی معلولان و جانبازان به جهت خوداشتغالی و کارآفرینی تدوین نمایند. همچنین در راستای تحقق توسعه کارآفرینی با رویکرد توانمندسازی برنامه ریزان کارآفرینی با مهندسی مجدد و بازسازی ساختارهای قدیمی در جهت توجه به عوامل فردی، خانوادگی، اجتماعی و مالی سیاستگذاری استانی را با توجه به تمرکززدایی ترویج و اشاعه دهند. علاوه بر این، تغییر نگرش نهادهای مسئول در فراهم نمودن کارآفرینی بایستی با استقرار نظام حمایتی خیرین به جهت ورودی منابع مالی بیشتر به حوزه کارآفرینی معلولان و جانبازان صورت پذیرد، هرچند حمایت نظارتی دولت نافذ خواهد بود.

- ابراهیمی، اعظم. (۱۳۹۶). طراحی مدل کارآفرینی ورزش در کشور، رساله دکتری (PhD)، دانشگاه مازندران، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی.
- رهبر، فرهاد؛ ممیز، آیت اله و محمدی، شقایق. (۱۳۹۲). شناسایی عوامل مؤثر بر فعالیت شرکت‌های کوچک و متوسط مبتنی بر فناوری در حوزه خدمات معلولین (مطالعه موردی: مدیریت شهری تهران)، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال پنجم، شماره ۴، صص ۷۰-۵۷.
- شفیع آبادی، عبدالله. (۱۳۸۲). توانبخشی شغلی و حرفه ای معلولین، اصفهان: انتشارات جنگل.
- عبادی علی، هاشمی شیخ شبانی سید اسماعیل، قاسم زاده رویا، جعفری سیدمحمد علی، لطیفی سید محمود. (۱۳۹۲). تعیین موانع اشتغال افراد دارای معلولیت جسمی حرکتی و کاربرد های آن برای مدیران توانبخشی. مجله مطالعات ناتوانی. ۳ (۲)، ۲۲-۹.
- عطایی کچویی، مرضیه. (۱۳۹۷). طراحی مدل کارآفرینی اجتماعی - فرهنگی با هدف توانمندسازی زنان سرپرست خانوار شهر اصفهان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه هنر اصفهان، دانشکده پژوهش‌های عالی هنر و کارآفرینی
- فرجی، محمدعلی. (۱۳۸۹). بررسی تطبیقی حقوق معلولین در حوزه اشتغال، تهران، انتشارات جنگل
- کیانی چلمردی، احمد. (۱۳۹۷). بررسی راه های توانمندسازی معلولین بر حسب نوع و شدت معلولیت در استان اردبیل با تأکید بر توانمندسازی حرفه ای، طرح پژوهشی سازمان تأمین اجتماعی استان اردبیل
- مرادی، اعظم؛ امیری، شعله؛ ملک پور، مختار، مولوی، حسین و نوری، ابوالقاسم. (۱۳۸۸). اثربخشی آموزش گروهی خودکارآمدی بر کیفیت زندگی و رفتار کارآفرینانه زنان دچار ناتوانی جسمی حرکتی، مجله مطالعات اجتماعی - روانشناختی زنان، دوره هفتم، شماره ۳۱، صص ۹۸-۷۱
- ورکیانی پور، نفیسه؛ حسینی، سید محمدرضا؛ سمیعی، روح الله و اشرفی، مجید. (۱۳۹۸). ارائه مدل توسعه کارآفرینی زنان با رویکرد توسعه پایدار روستایی در استان گلستان، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال نوزدهم، شماره ۵۴، صص ۱۶۶-۱۴۷
- Baum, J. R., Locke, E. A., & Smith, K. G. (2001). "A multidimensional model of venture growth". *Academy of Management Journal*, 44(2): 292-302
- Becker D, Whitley R, Bailey E, Drake R. (2008). Long-Term Employment Trajectories among Participants with Severe Mental Illness in Supported Employment. *Psychiatric Services* . 58(7):922-8
- Bird, B. (1995), "Toward a theory of entrepreneurial competency", in Katz, J. and Brockhaus, R. (Eds), *Advances in Entrepreneurship, Firm Emergence and Growth*, Vol. 2, JAI Press, Greenwich, CT, pp. 51-72.
- Boren, A. (2012). Emotional Intelligence: the secret of successful entrepreneurship? *Leadership in agriculture*, 2, 55-61.
- Boylan, A., & Burchardt, T. (2003). "Barriers to Self-Employment for Disabled People". *Small Business Service: London*
- Burchardt, T. (2002). "Enduring economic exclusion: Disabled people, income and work". *York: York Publishing Services*.
- Charmaz, K. (2007). *Reconstructing Grounded Theory*. In L. Bickman, P. Alasuutari, & J. Brannen (Eds.). *Handbook of Social Research* (pp. 461-478). London: Sage.
- Colombo, M. G., & Grilli, L. (2005). "Founders' human capital and the growth of new technology-based firms: A competence-based view". *Research policy*, 34(6): 795-816.
- Doyle, A. (2002). "A realistic perspective of risk in self-employment for people with disabilities". *Journal of Vocational Rehabilitation*, 17: 115- 24.

- Glaser, B. (1998). *Doing grounded theory: Issues and discussions*. Sociology Press. Mill Valley, CA.
- Hwang, S. K., & Roulstone, A. (2015). "Enterprising? Disabled? The status and potential for disabled people's microenterprise in South Korea". *Disability & Society*, 30(1): 114-129
- Izquierdo, E., Deschoolmeester, D., & Salazar, D. (2005). "The importance of competencies for entrepreneurship: A view from entrepreneurs and scholars perspective". Available at: http://www.espae.espol.edu.ec/images/documentos/publicaciones/documentos_trabajo/entrepreneurship/Importance.pdf.
- Jiménez, A., Palmero-Cámara, C., González-Santos, M.J., González-Bernal, J., & Jiménez- Eguizábal, J.A. (2016). The impact of educational levels on formal and informal entrepreneurship, *Business research quarterly*, 18, 204-212
- Jones, M. K. (2005). "Disability and the labour market: a review of the empirical evidence". WELMERC Discussion paper, Deptt. Of Economics, Univ of Wales Swansea.
- Kochadai, M. (2012). "Entrepreneurial Competency: a study with reference to socially and economically backward communities in Chennai City". Available at: <http://shodhganga.inflibnet.ac.in/jspui/handle/10603/5303>.
- Martins, S. (2004). "Barriers to entrepreneurship and business creation. European Commission". European Social Fund, 1-49.
- Nowiński, W, and Haddoud, M.Y. (2019). The role of inspiring role models in enhancing entrepreneurial intention, *Journal of Business Research* 96, 183-193
- Pagán, R. (2009). "Self-employment among people with disabilities: evidence for Europe". *Disability & Society*, 24(2): 217-229.
- Yolac, S. (2017). An empirical study regarding entrepreneurship in Europe and Central Asia, *Procedia - social and behavioral sciences*, 195, 1097-1103.